بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه دویست و سیزدهم\_12 مرداد 1400

[تحقیق در مسأله]

بعد از توضیح کامل فرمایش مرحوم شیخ و مرحوم خویی در مسألۀ جبران ضعف دلالت به عمل مشهور عرض می­کنیم:

1. این­که با عمل مشهور به عنوان یک امر منفصل ظهوری در جا به جا نمی شود، تقویت نمی­شود، امر مسلمی است؛ چون ظهور در مرحلۀ مدلول تصدیقی اولی وابسته به آن­چه که از وضع لغات استفاده می­شود، یا قرائن متصله­ایی که داریم، پس اگر مراد از جبران ضعف دلالت این است که یک ظهوری تقویت شود، ما به چنین چیزی اعتقاد نداریم.
2. بر مسلک انفتاح و کفایت روایات معتبرة السند و تامة الدلالة برای افتاء در معظم مسائل فقهیه و رجوع در بقیۀ موارد به اصول عملیه، چون روایت دلالتش تام نیست، و جابر ظنی هم نمی­تواند جبران ضعف دلالت کند، بر طبق مبنای انفتاحی، مثل محقق خویی ما اگر روایت دلالتش تام و تمام نبود، و لو بر طبق آن عمل مشهور باشد، و لو مشهور فهمی از روایت داشته باشند، حجتی که بتوانیم به برکت آن، دست از اصول اولیه­ایی مثل اصالت البرائة برداریم، نداریم، بنابراین انفتاحی نیازی به جبران ضعف دلالت ندارد، اگر جایی دلالت ضعیف بود، مدرک فتوا نداشت به اصول عملیه مراجعه می­کنند.
3. انسدادی می­گوید با توجه به مقدمات انسداد مطلق ظن برای من کافی است؛ لذا اگر جایی فتوای مشهور بود، مخصوصا مشهور قدماء همین مقدار برای انسدادی کافی است، اگر به آن ضمیمه شود یک روایت ناقصة الدلالة قطعا درجۀ آن مظنه بالاتر می­رود و همین مقدار برای انسدادی کافی است، مخصوصا اگر این مشهور صریحا واضحا مستند کرده باشند فتوای خودشان را به آن روایت.
4. با توجه به آن­چه در جبران ضعف سند روایت به عمل یا فهم مشهور بر مسلک انفتاح و انسداد گفتیم عرض می­کنیم اگر یک روایت فی حد نفسها دلالت بر یک مطلب داشت، اعراض مشهور از این دلالت بر مسلک انفتاح مشکل ساز نیست. انفتاحی معیارش سند و اعتبار روایت و دلالت روایت و ظهور روایت عند المجتهد است، حال دیگران چنین استظهاری نکرده باشند، برای انفتاحی مشکل آفرین نیست. اما انسدادی که دائر مدار ظن مطلق است، اگر اعراض مشهور از یک دلالت ظن او را از درجۀ ظنیت به پایین­تر از ظن مثل شک و وهم رسانید، انسدادی این­جا به ظنون عمل نمی­کند، چه بسا سراغ اصول عملیه برود، آن­چه گفتیم بر مسلک انفتاح بود و انسداد.
5. اما نکتۀ پنجم بر مسلکی که ما نامش را مسلک اضطرار گذاشتیم، ما از هیچ شاهد و قرینه­ای حتی در پایین­ترین درجه و کمترین نمره نمی­گذریم، اضطراری روی به حصول اطمینان می­آورد، اطمیناناً شخصیاً که حاصل شده باشد، از تجمیع شواهد و قرائن. اگر مشهور به یک روایت ضعیفة الدلالة عمل کرده باشند، و مستند کرده باشند عمل خود را به این روایت، نمرۀ این روایت بالا می رود، چه بخواهیم چه نخواهیم. آن کجا که یک روایتی ضعیفة الدلالة باشد عندنا و مشهور فقهاء هم استنادی، عملی بر طبق آن نداشته باشند، آن کجا که مشهور فقهاء همین دلالت را، که ما ضعیف می­شمردیم، بدان فتوا داده باشند، طبیعتاَ تعداد فتاوا، عظمت فقهاء فتوا دهنده، قرب و بُعدشان از عصر نص، همۀ این ها نمره را در این روایت تغییر می­دهد. پس اضطراری از عمل اصحاب، از فهم اصحاب، اگر مستند شد به یک روایت، نمی گذرد و این را موجب تقویت نمرۀ روایت می­داند.

اگر هم فقهاء صراحتا مطلب خودشان را مستند به آن روایت ضعیفة الدلالة نکرده­اند، این جا اضطراری رو به رو است با دو شاهد مستقل، که هر یک از این دو شاهد، دو نمرۀ متفاوت دارد. یک شاهد فتوای فقهاء است که برای خود شاهد و قرینه و نمره­ایی دارد که عرض کردم این نمره هم با توجه به تعداد فقهاء فتوا دهنده، جایگاه علمی آن­ها، قرب و بعد آن­ها به عصر نص تفاوت می­کند، این می­شود یک شاهد، شاهد دوم که ضعیف­تر است، نمرۀ کمتری دارد، آن روایت ضعیفة الدلالة است. اگر این روایت ضعیفة الدلالة ضعیفة السند هم بود، که نمره بسیار پایین است، اگر معتبرة السند بود، نمره­اش بالاتر می­رود اما ضعف دلالتش به صرف فتوای مشهور تقویت نمی­شود چون در نکتۀ اول گفتیم فتوای مشهور ظهورساز نیست، نهایتا فتوای مشهور بتواند در مرحلۀ حجت فعلی ساختن و مدلول جدی داشتن مؤثر شود. بالاخره به مقداری از ضعف هم باشد، دلالت در حد اشعار هم که باشد در عملیات تجمیع شواهد و قرائن، برای فقیه اضطراری، مفید است. این در فتوای مشهور.

1. در مورد اعراض مشهور از یک معنای ظاهر و فتوا دادن بر خلاف ظاهر مستندا به یک روایت اضطراری طبیعتا با توجه به این فتوا، درجه و نمره­ایی که به این روایت می­دهد، کم خواهد شد؛ لذا برای فقیه اضطراری، که دنبال جمع آوری، شواهد، -چه شواهد له، چه شواهد علیه- می­گردد، از این عمل مشهور یا از این اعراض مشهور برای تجمیع قرائن و شواهد که در نهایت بتواند حجت را بر خودش تمام کند، نمی­گذرد.

پس به همۀ این ها ما محتاجیم. این که مشاهده کرده­ایید در فقه مخصوصا در مواردی که قدماء فتوای مخالفی دارند، از روایات برداشت دیگری دارند، ما اعتنا می­کنیم، تأکید می­کنیم و بررسی می­کنیم سخن قدماء را از همین جهت است.

این نظریۀ نهایی ما در باب جبران یا عدم جبران ضعف دلالت به عمل مشهور است که هم بر مسلک انفتاح و هم بر مسلک انسداد و هم بر مسلک اضطرار که به نظر ما حق بود، مسأله تبیین شد.

[ادامۀ کلام شیخ در رسائل]

این بحث که تمام می­شود شیخنا العلامه در رسائل می فرماید:

**بقی الکلام فی مستند المشهور، فی کون الشهرة فی الفتوی جابرةً لضعف السند الخبر**

اگر چه پیش از جبران ضعف دلالت اشاره­ایی شد به جبران و عدم جبران به وسیلۀ یک ظن غیر معتبر در ناحیۀ سند، اما بالخصوص، در مورد خبر ضعیفة السند، و شهرت فتوائیه، آیا شهرت فتوائیه ضعف سند را جابر است، یا جابر است. مشهور قائل اند که فتوای مشهور جبران ضعف سند روایت می­کند، این­جا نخست مرحوم شیخ، قدس الله روحه یک مشکل را برای این نظر مشهور بیان می­کند.

می فرماید اگر شما به دنبال این هستید که با این عمل مشهور، ضعف سند روایت جبران شود و شما ظن به صدق خبر پیدا کنید، از عمل مشهور و فتوای مشهور، ظن به صدق خبر را می خواهید، به شما بگویم اولا گاهی این فتوای مشهور، ظن به صدور ذلک الخبر نمی­آورد، چون بحث ما شهرت عملیه نیست، گفتیم شهرت در فتوا از کجا، که این شهرت در فتوا، مستندشان این روایت بالخصوص ضعیفة السند باشد تا شما ظن به صدق خبر پیدا کنید، نهایتا چیزی که حاصل می­شود ظن به صدور یک حکمی از طرف شارع است، که مطابق باشد با مضمون خبر، اما مطابقت با مضمون خبر یک مطلب است، تقویت سند یک روایت ضعیفة به صورتی که ظن به صدور خبر حاصل شود، مطلب دیگری است.

پس اولا اگر از طرح مسألۀ جبران ضعف سند با شهرت فتوائیه به دنبال ظن به همین خبر و صدور همین خبر هستید، عرض می­کنیم فتوای مشهور چون مستندش نا معلوم است معلوم نیست که به خصوص این روایت ضعیفة السند تمسک کرده باشند، نهایتا شما هماهنگی می­بینید بین این روایت ضعیفة السند و آن فتوای مشهور به شهرت فتوائیه من حیث المضمون، نه این که حتما مستند آنها این باشد، صغرای بحث جبران وقتی معنا پیدا می­کند، که شما بدانید مستند آن­ها همن روایت است تا بتوانید مطرح کنید که به وسیلۀ این عمل ظن به صدق خبر، ظن به صدور این روایت حاصل می­شود، نه چنین چیزی یقینا نیست. اعم است فتوای مشهور از این­که به این روایت باشد، و یا مستند دیگری را داشته باشد. هذا اولا.

پس اگر منظورتان از طرح بحث جبران ضعف سند به وسیلۀ شهرت فتوائیه این باشد که این شهرت باعث می­شود ما ظن به صدور روایت پیدا کنیم، ظن به صدق روایت پیدا کنیم، باید بگوییم فتوای مشهور اعم از جایی است که برای شما ظن به صدور خبر حاص شود یا نشود؛ چون قد **لا یوجب الظن بصدور ذلک الخبر**. چه بسا مواردی شهرت فتوائیه داریم، روایت ضعیفه داریم اما از این روایت ضعیفه، ظن به صدق خبر حاصل نمی­شود.

بله نهایتا **یوجب الظن بصدور حکم عن الشارع مطابق لمضمون الخبر** ولی این که به معنای جبر نیست.

این اولا تا اشکال دوم ان شاء الله فردا.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.